



تقدس شیطان در یک فرقه به ظاهر اسلامی/ وجوه اشتراک حلقه با تصوف

گفته‌های طاهری به طور کامل با نظر گورانی‌ها هماهنگ است، فرشته دانستن شیطان، سجده نکردن شیطان به خواست خداوند و ... در جهت عزیز کردن و محترم شمردن شیطان و در واقع القای خود شیطان است و چه بسا به شیطان‌پرستی بینجامد.

گفته‌های طاهری به طور کامل با نظر گورانی‌ها هماهنگ است، فرشته دانستن شیطان، سجده نکردن شیطان به خواست خداوند و ... در جهت عزیز کردن و محترم شمردن شیطان و در واقع القای خود شیطان است و چه بسا به شیطان‌پرستی بینجامد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه **خبرگزاری فارس**، در بررسی و تحلیل آموزه‌های هر دین یا فرقه باید ابتدا به بررسی مبانی و پیش فرض‌های آن پرداخت، برای شناسایی بهتر آموزه‌های فرقه «عرفان ضاله حلقه» نیز لازم است، به بیان مبانی فکری این فرقه بپردازیم، با مطالعه آثار مکتوب و شفاهی عرفان حلقه درمی‌یابیم که این فرقه نیز مطالبی را از ادیان مختلف و همچنین فرقه‌های انحرافی برای مبانی و پیش فرض‌های خود انتخاب کرده است، محمدعلی طاهری با تصریح به التقاطی بودن مبانی فرقه خود می‌گوید: «ادیان، یک سلسله دروس، پله پله با هم هستند و جدا شدنی نیستند، علتش را هم من متوجه شده‌ام؛ یعنی مثل یک چیز می‌ماند که دامنه‌دار است؛ ولی نویسنده‌ها متفاوت هستند، بدون درک عهد عتیق، {فهم} عهد جدید امکان ندارد و بدون درک آن، درک این امکان ندارد، حالا این‌شاءالله این را در یک جایی جداگانه مطرح می‌کنیم؛ اما من یک مطلبی می‌خواهم بگویم، من امروز به این نتیجه رسیده‌ام که یک عده‌ای به من خبر داده‌اند که ما مطلب شما را با عرفان یهودی کابالا انطباق داده‌ایم. عجیب است! شاگردان کلیمی ما گفته‌اند، به طرز عجیبی دریافت‌های شما با عرفان کابالا می‌خواند، مسیحی‌ها هم یک طوری همین را گفته‌اند؛ شما فکر نکنید که مسلمان‌ها فقط می‌خواهند با قرآن تطبیق بدهند، مسیحی می‌خواهد برود با انجیل تطبیق بدهد و کلیمی می‌خواهد با عهد عتیق انطباق بدهد، ما خودمان را نگاه نکنیم؛ ما داریم یک حرف می‌زنیم که از اول، این، انسان شمول است، توجه فرمودید؟! من ایمان دارم دریافت‌ها و مطالب با کتب مقدس در تضاد نخواهد بود، حالا ما با قرآنش را انجام بدهیم، دیگران هم با کتب دیگر انجام بدهند؛ اما شما بدانید که به نظر من کتب مقدس، جلد یک، دو، سه هستند که از هم جدا نیستند». بنابر گفته‌های رهبر این فرقه آموزه‌های او از ادیان مختلف یهودی، مسیحی و برگرفته شده و از همین روی در ادامه به بررسی مبانی او که از ادیان مختلف گرفته شده است، می‌پردازیم: ***تصوف طاهری** در توصیف عرفان حلقه از عبارت «عرفان این مرز و بوم» استفاده می‌کند که با مطالعه تاریخ عرفان ایران، به تصوف می‌رسیم. تقسیم دین به شریعت و طریقت که طاهری در آموزه‌های خود بر آن تأکید می‌کند، از عقاید صوفیه است. همچنین یکی از اعتقادات مهم صوفیان «صلح کل» است؛ بدنی معنا که آنان هیچ دین و مذهب و آیینی را غلط ندانسته، هیچ کدام را بر دیگری امتیاز نمی‌دهند. آنها اختلاف مذاهب را همچون اختلاف در رنگ و صورت می‌شمارند و معتقدند که وابستگی به مذهبی خاص، مانع رسیدن به حق است. این دیدگاه طاهری و توضیحاتی که درباره پلورالیسم دینی بیان شد و همچنین دیدگاه طاهری در طرح مقام انسان صالح، یعنی انسانی که با خدا و هر یک از اجزای هستی و با خود و با دیگران به صلح رسیده و با هیچ‌کدام تضادی ندارد، با این عقیده تصوف هماهنگ است. تأویل‌هایی که طاهری در آموزه‌های خود بیان می‌دارد، نیز به سخنان صوفیان شباهت دارد. در سخنان او تفسیر به رأی و تاویل آیات در جهت گریز از شریعت در تصوف به چشم می‌خورد و همان‌طور که در بخش‌های پیشین آمد، او پرسش و پاسخ ملائکه با خدا درباره آفرینش حضرت آدم و هبوط آدم به زمین، طوفان و کشتی نوح و ... را سمبل‌هایی برای بیان مطالبی می‌داند که در منابع و به ویژه قرآن نیامده است. همچنین دوری از شریعت به بهانه افزایش کیفیت و رسیدن به باطن عبادات و به ویژه نماز و نیز توجه خاص به عشق در مقابل عقل و تأکید بر ماهیت وحدت وجودی عالم، اعتقاد به چرخه‌های خلقت، تناسخ دسترسی به غیب و عوالم بالا از جمله ویژگی‌های مشترک شبه عرفان حلقه با تصوف است. نگاه طاهری نسبت به شیطان و بزرگداشت او و همچنین دیدگاه او درباره امر خداوند به سجده نکردن در برابر انسان و اطاعت شیطان نیز از عقاید مشترک او و صوفیان حکایت دارد. اهل حق، یزیدیه، متصوفه اهل جبال، طایفه گوران و ... فرقه‌هایی هستند که در اعتقاداتشان ابلیس را محترم می‌شمارند که این مسأله با آموزه‌های فرقه حلقه هماهنگ است. در این فرقه‌ها از شیطان با عنوان «ملک طاووس» نام می‌برند. گورانیان به استناد «لا تسب ابلیس فی العلانیه و انت صدیقہ فی السر» لعن شیطان را جایز نمی‌شمردند. مانند این نظریه در فرقه کیهانی نیز هست، مبنی بر اینکه لعن کردن، انسان را در فاز منفی وارد کرده، به جذب غیر ارگانیک‌ها می‌انجامد. همچنین در نظریه صوفیانه گورانیان درباره شیطان گفته می‌شود: چون خداوند خواست تا ظهور کند، نخست فرشتگان را بیافریند که عزیزتر ایشان «ملک طاووس» بود؛ آنگاه آدم را از خاک بیافرید و به فرشتگان دستور داد تا سجده کنند. ملک طاووس به خواست خداوند سجده نکرد. البته غیر از قضا و قدر، او عاشق خدا بود و نمی‌خواست در برابر آدم سجده کند، با این کار او، آدم غمی شد و از سر حسادت خواست تا تدبیر این کار بسازد... گفته‌های طاهری، به طور کامل با نظر گورانی‌ها هماهنگ است، فرشته دانستن شیطان، سجده نکردن شیطان به خواست خداوند، عشق شیطان به خدا و ... در جهت عزیز کردن و محترم شمردن شیطان و در واقع القای خود شیطان است و چه بسا به شیطان‌پرستی بینجامد. ***تفکر نوین** با بررسی گروه‌های متعدد معنوی فعال در جهان می‌یابیم که اصول و واژه‌های مشترک رایجی بین آنهاست و این نشان می‌دهد که آنها با وجود داشتن تفاوت‌های ظاهری، آنها در مسیری واحد حرکت می‌کنند؛ مانند رندهای کوچک و بزرگی که همگی به یک دریاچه می‌رسند. این مسأله تأمل درباره «دین نوین جهانی» را مهم‌تر می‌سازد و بیانگر دست‌های پشت پرده‌ای است که می‌کوشند تمام حرکت‌ها و گروه‌ها را با یک اندیشه هماهنگ ساخته، در این جهت دین جهانی را طراحی کنند. برخی از این مشترکات در عرفان حلقه نیز دیده می‌شود و گویا این فرقه نیز از این همراهی بازمانده است؛ پس می‌توان این فرقه را تکه‌ای از وجود دین نوین جهانی دانست که سعی داشته و دارد تا به بدنه اصلی خود بپیوندد. برای تبیین شباهت‌های این فرقه با دین نوین، توضیحاتی که در ادامه می‌آید بسیار راهگشاست. تلاش برای ساختن دین جهانی با همه بزرگی و دشواری که دارد، در قیاس با منافی که می‌تواند به دنبال داشته باشد، ناچیز و آسان است... دین جدید باید عناصر مشترک ادیان را در خود داشته باشد تا مقبولیت جهانی پیدا کند... شامل مطالب جدیدی نیز می‌باشد که در تئوری‌ها اثبات نشده و یافته‌های نسبتاً نوین علمی، در علومی چون فیزیک، روان‌شناسی و فراروان‌شناسی ریشه دارد؛ برای مثال، بسیاری از جنبش‌های دین نوین از انرژی و نیروهای کیهانی و نظریه کوانتوم استفاده می‌کنند و می‌کوشند نیروی خلاق هستی با به عبارتی خداوند را به معنای همین انرژی کیهانی در نظر بگیرند... شکل‌گیری تفکر نوین از دهه 1830 آغاز شد و ریشه آن به آمریکا و انگلیس باز می‌گردد. ویلیام جیمز تفکر نوین را «دین متمایل به سلامتی» نامیده است. جنبش تفکر نوین تفسیری فلسفی از عقاید تفکر نوین است که در اوایل قرن نوزده آغاز شد و امروزه این گروه شامل سازمان‌های سکولار، فرقه‌های مذهبی مولفان و افرادی است که دارای عقایدی همچون قانون جذب، تفکر مثبت، متافیزیک، شفاهدنگی، تجسم خلاق و قدرت شخصی هستند. این جنبش را متفکران و فلاسفه و همچنین سازمان‌های مذهبی مختلفی از جمله کلیسای وحدت، علم مسیحی و کلیسای علم قدسی پیش می‌برند.